



شبهه‌شناسی  
گفتمان‌سازی  
ویاسخ‌گویی  
روزهای حماسه  
دفاع مقدس  
ویژگی‌نامه  
چند رسانه‌ای  
ماهنامه شبهات

# شبهات

## مردم نظارت می‌کنند

۹۳

شبهه:

آیا در تفاهم نامه اخیر برای مردم نقش و جایگاهی تعریف شده است؟



عقلا، فرامی‌خواند؛ یعنی رفتار متقابل بر اساس تعهدات عینی و ملموس، نه وعده‌های انتزاعی. بنابراین، بی‌اعتمادی به دشمن نه یک خصیصه روانی، که یک اصل عقلایی و قرآنی برای حفظ کیان جامعه است.

در نهایت، آنچه این تفاهم را از یک سند زودگذر به یک آزمون تاریخی بدل می‌کند، کارکرد نظارت مردمی است. مطالبه به جا از مسئولان، هم بر «نتیجه»، که بر «فرایند راستی‌آزمایی» متمرکز است. مردم، امروز بیش از هر زمان دیگری می‌دانند که شروط تعیین شده، صرفاً زینت‌المجلس مذاکرات نیست، بلکه معیارهای سنجش صداقت هستند. اگر طرف آمریکایی به تعهدات حداقلی خود پایبند باشد، راه تعامل محدود گشوده خواهد شد و اگر مانند گذشته، طبع زیاد خواهی خود را نشان دهد، اراده جمعی ملت و پشتوانه الهی، چنان نصرت‌هایی را رقم خواهد زد که بار دیگر، تاریخ، تکرار شکست راهبردی سلطه را به نظاره بنشینند. این، معنای حقیقی نظارت هوشمندانه است.

در سال ۲۰۱۸، همگی گویای یک حقیقت ساختاری است: سیاست خارجی ایالات متحده، مبتنی بر عقلانیت اخلاقی یا پایبندی به قواعد بین‌المللی نیست، بلکه تابع منافع متغیر جریان‌های قدرت داخلی و اهرم‌های فشار منطقه‌ای است. این بده‌بده‌های متوالی، تفاهم کنونی را نه در افق اعتماد، که در افق «احتیاط و بی‌اعتمادی» تعریف می‌کند.

از منظر بنیادین، این رویکرد احتیاط‌آمیز، ریشه در آموزه‌های راستین اسلامی دارد. قرآن کریم، مؤمنان را از اتکای قلبی و سخت‌افزاری به دشمنان برحذر داشته و در آیاتی نظیر «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» و نیز توصیه مبنی بر «و اعدوا ما استطعتم من قوه»، بر آمادگی دائمی و دوری از غفلت راهبردی تأکید می‌کند. «حسن ظاهر و شیک پوشی» در دیپلماسی، هرگز باعث «غفلت و بی‌تحریکی» در محاسبات امنیتی نیست. بلکه عقلانیت دینی، مومنان را به «سیره‌

که به عنوان طرفی با برگ‌های برنده در منطقه، تفسیر می‌شود. این عزت، مرهون ایستادگی مردمی است که ثابت کرده‌اند هرگونه زیاده‌خواهی، هزینه‌ای سنگین‌تر از منفعت آن برای مهاجم به همراه خواهد داشت.

بنابراین نقش مردم در این رویداد، نه به عنوان تماشاگرانی منفعل، که به مثابه ناظرانی فعال و ریزبین تعریف می‌شود؛ نظارتی که فراتر از خوش‌بینی ابتدایی، بر راستی‌آزمایی مستمر رفتار طرف مقابل و نیز عملکرد کارگزاران داخلی متمرکز است.

برای درک ضرورت این نظارت موشکافانه مردمی، باید به بازخوانی الگوی رفتاری آمریکا پرداخت. تاریخ معاصر، مملو از نقض عهدهایی است که به نام تفاهم یا حسن‌نیت بر ملت ایران تحمیل شده است. از حمایت همه‌جانبه تسلیحاتی و اطلاعاتی از رژیم بعثی در جنگی که هشت سال به درازا کشید، تا سرنگونی عمده هوایی آمریکا مسافربری و سپس، مهم‌تر از همه، خروج یکجانبه و غیرحقوقی از برجام

تفاهم‌نامه‌ی اخیر میان روسای جمهور ایران و آمریکا، فارغ از هیاهوی رسانه‌ای، در ذات خود یک «فرایند مشروط» را تعریف می‌کند نه یک نقطه پایانی. آنچه این سند را از تفاهم‌نامه‌های پیشین متمایز می‌سازد، ساختار ضمانت‌اجرای درونی آن است؛ بدین معنا که بار تعهدات، به صراحت بر دوش قوه مجریه و شورای عالی امنیت ملی نهاده شده و این نهادها با پذیرش مسئولیت کامل، تضمین داده‌اند که خطوط قرمز اساسی - شامل صیانت از منافع ملی و پشتیبانی از جبهه مقاومت - دست‌خوش هیچ‌گونه مسامحه‌ای نشود.

نفس شکل‌گیری این تفاهم، خود گواه دیگری بر «عزت و اقتدار» ایران است. نکته کلیدی در عبارت «از روی استیصال» نهفته است؛ آمریکا نه از سر انسان‌دوستی، که به دلیل بن‌بست‌های راهبردی و ناتوانی در مهار محورهای مقاومت و نیز رشد بی‌سابقه توان موشکی و هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، ناچار به تغییر لحن شده است. حضور ایران پای میز مذاکره، نه به مثابه درخواست‌کننده،

